

## بررسی ریشه‌های آیینی آداب زیارت امامزادگان زن در استان

### چهارمحال و بختیاری

فاطمه مسیبی دهکردی \*

#### چکیده

استان چهارمحال و بختیاری با دارا بودن مناطق باستانی فراوان در تاریخ فرهنگ و هنر کشور، نقش بسزایی دارد. این مناطق به دو بخش مذهبی و غیرمذهبی تقسیم می‌شوند. در دسته مذهبی آثار تاریخی، به بنای امامزادگان اشاره نمود. در میان این بناهای تاریخی - مذهبی سه امامزاده زن دارای آداب خاصی برای زیارت هستند که تحقیق در این مورد، می‌تواند به یافتن حلقه‌های مفقوده فرهنگ و تاریخ سرزمین کمک نماید. این سه زیارتگاه شامل «حلیمه و حکیمه خاتون شهرکرد»، «حلیمه - خاتون سرپیر» و «نظرگاه مادرودختر گندمان» شده است که وجه اشتراک هر سه این موارد، در نگاه اول قرارگیری آنها در کنار چشمه «آب» می‌باشد. از آنجا که آب نقش بسزایی در تاریخ و فرهنگ کشور داشته و از عناصر قابل احترام در فرهنگ باستانی بوده است؛ می‌توان وجوه اشتراک دیگری از این سه مکان یافت که مشابه «احترام و تقدس» آب در دوران کهن می‌باشد. چنان‌که پیش از اسلام «آناهیتا» بعنوان نگهدارنده آبها شناخته می‌شد این نوع اکرام را می‌توان به دوران پرستش آناهیتا نسبت داد. از آنجا که در فرهنگ اسلامی آب نیز مورد احترام است بنابراین در این زمینه بسیاری از آداب پیش از اسلام با رنگ و لعاب اسلامی به حیات خود ادامه داده‌اند. هدف از انجام این پژوهش شناسایی و ثبت آداب و فرهنگ بومی مربوط به زیارت امامزادگان زن و معرفی ریشه‌های آن آداب می‌باشد. پژوهش موردی مذکور با روش مصاحبه، مشاهدات میدانی و اتکا به اطلاعات کتابخانه‌ای، داده‌هایی را بدست داده که با روش «توصیفی- تحلیلی» به تحریر درآمده است و به پرسش اصلی خود یعنی «نحوه برخورد مردم هنگام زیارت امامزادگان زن

\* عضو هیات علمی گروه صنایع دستی. سمت مربی. دانشکده هنر دانشگاه شهرکرد. ایران،

چگونه است و علل آن چیست؟» پاسخ می‌دهد. آنچه از این پژوهش منتج می‌شود نحوه زیارت این سه اماکن نشانی از منشأ «قومی- آیینی» است که به دوران پرستش «آناهیتا» باز می‌گردد. جغرافیای کوهستانی استان چهارمحال و بختیاری و وفور زندگی عشایری و دامداری سبب گشته بسیاری از آیین‌های باستانی دوران زن‌سالاری و احترام و اکرام به زنان حفظ گردد.

کلید واژه: دوران باستان، آب، آداب زیارت، چهارمحال و بختیاری، امامزادگان زن

## ۱- مقدمه

پس از ورود دین مبین اسلام به ایران و رسمی شدن مذهب شیعه در کشور، شاهد وفور زیارتگاه و بناهای مذهبی و به نام «امامزاده» هستیم. ارادت ایرانیان به خاندان پیامبر و ائمه، همینطور وجود امنیت نسبی در ایران، دلیل مهاجرت این بزرگان شده بود که سبب گشت تا پایان عمر این سرزمین، سکونتگاه آنان گردد. وجود بسیاری داستان‌ها و وقایع رازآلود و همچنین آداب و رسوم خاص حین زیارت به خصوص برای امامزادگان زن و بصورت پرننگ در استان چهارمحال و بختیاری، سبب طرح این سوال می‌گردد که همه این مسائل از چه بابت ناشی می‌شود. از طرفی می‌دانیم دین اسلام به یکباره وارد ایران نشده و طی قرون متمادی مردم به اسلام گرویدند، «لرد کروزن» در کتاب «ایران و قضیه ایران» به قدرت زیاد مردمان منطقه بختیاری از دوره مادها و پارسیان تا زمان حمله اعراب مسلمان اشاره نموده است. در این دوران نیز تازیان از عهده سرکوب آنان برنیامدند و دین اسلام طی قرن‌ها وارد این منطقه شد (کروزن، ۱۳۶۲: ۲۳۳). بنابراین بسیاری از آداب پیش از اسلام که در فرهنگ و زندگی ایرانیان نفوذ عمیق داشت و از نظر اسلام پسندیده و نیک بود این فرصت را یافتند، و حفظ گردند و برخی در قالب خرافه به حیات خود ادامه دادند و بسیاری از آنان نیز منسوخ شونند. مورد دیگر وجود میسرها و گردنه‌های صعب‌العبور کوه‌های بختیاری دلیلی است بر رفت و شد کمتر و به تبع حفظ فرهنگ اصیلتر در این منطقه. بنابراین می‌توان به ریشه‌های باستانی بسیاری از داستان‌ها پی برد. رمزگشای اسرار نهفته

داستان‌های کهن، رجعت به مبحث اساطیری و نمادشناسی در فرهنگ یک سرزمین می‌باشد. از آنجاکه «اساس همه اساطیر به باروری و حاصلخیزی طبیعت باز می‌گردد» (عفی‌فی، ۱۳۷۲: ۱۳) بنابراین مشاهده می‌شود که آب اولین سرخ از موقعیت امامزادگان زن مورد تحقیق می‌باشد. این امامزادگان که شامل «نظرگاه مادر و دختر گندمان» و «امامزادگان حلیمه و حکیمه خاتون شهرکرد» و «امامزاده حلیمه خاتون سرپیر» شده‌اند در جوار چشمه‌های پرآب و تأمین‌کننده آب شهر یا آبادی هستند. و نشانه‌هایی نیز از بقایای بناهای کهن نیز آنجا یافت می‌شود که گواه وجود معبد آناهیتا در آنجا بوده است.

از طرفی گرمی داشتن آب پیشینه طولانی در فرهنگ ایران دارد که به مادر زمین و نباتات یعنی آناهیتا باز می‌گردد و اهمیت و جایگاه این ایزدبانو تا جایی است که قبل از مهر(میترا) همراه اهورامزدا می‌باشد. در این تحقیق موردی، روش مستندنگاری و مشاهدات میدانی، با اتکا به اطلاعات کتابخانه‌ای، داده‌هایی را به دست داده که به روش «توصیفی - تحلیلی» به تحریر درآمده است.

ضرورت و اهمیت این پژوهش از آنجا نمایان می‌گردد که قسمتی از آثار تاریخی استان چهارمحال و بختیاری علاوه بر اینکه میراث مادی فرهنگی به شمار می‌روند و عوامل انسانی سودجویانه عامل تخریب هستند<sup>۱</sup>، با دیدگاه‌های ویژه، میراث معنوی و ارزشمندی را از دوران باستان ثبت و ضبط نمودند که ریشه اصلی آنها باید شناسایی و معرفی گردد. هدف از انجام این پژوهش، شناسایی و معرفی فرهنگ بومی استان چهارمحال و بختیاری و همچنین شناخت مناسک مربوط به آیین باستانی پرستش آناهیتا از طریق عقاید متداول درون شهرها و یا روستاهای دورافتاده و حفظ آنها می‌باشد.

### سوالات پژوهش

- فرهنگ عامه مردمان چهارمحال و بختیاری در خصوص امامزادگان شهرکرد و سرپیر و همچنین نظرگاه گندمان چگونه است؟

- وجوه اشتراک عقاید مردمان چهارمحال و بختیاری در خصوص امامزادگان شهرکرد و سرپیر و نظرگاه مادر و دختر نسبت به معابد آن‌ها تا در دوران باستان چیست؟

- دلایل حفظ چنین رسومی هنگام زیارت از چه بابت است؟

این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای برای قسمت تاریخی و روش میدانی، مصاحبه و مشاهده و تجزیه و تحلیل اطلاعات منقول از طریق جدول برای بخش مربوط به اطلاعات امامزاده‌های زن، گردآوری شده است.

در زمینه پیشینه این پژوهش باید گفت که در مورد نظرگاه مادر و دختر و همچنین امامزادگان شهرکرد و سرپیر بصورت کلی در کتاب «بروجن نامی به بلندای تاریخ» و «چهارمحال و بختیاری و تمدن دیرینه آن» معرفی مناطق پرداخته شده و همچنین در خصوص شخصیت آن‌ها و الهه آب، کتب فراوانی نظیر «یشتها»، «اوستا»، «اساطیر و فرهنگ ایران» بررسی‌های جامع و مفصلی انجام شده است.

## ۲- تاریخچه استان چهارمحال و بختیاری

چهارمحال و بختیاری با دارا بودن موقعیت‌های ایده‌آلی نظیر کوه‌های بلند، غارها، ذخایر فلزات، سنگهای معدنی، خاک حاصلخیز، مراتع، حیوانات وحشی، آبشارها و رودخانه‌هایی چون کارون و زاینده رود و چشمه سارهای فراوان و موقعیت جغرافیایی که از یکسو بشر اولیه را به دریا و از سوی دیگر به مرکز فلات ایران مرتبط می‌ساخت و مهمتر از همه نزدیکی این استان به دشت بین‌النهرین، توانست توجه انسان اولیه را به خود جلب نماید. آقای «بهرام فرهوشی» در این خصوص اظهار داشت: «پس از خشک شدن دریای بزرگی که فلات ایران را گرفته بود حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار سال پیش از میلاد زمین‌هایی از آب بیرون آمده بود و به واسطه خاک رسوبی رودخانه‌های حاصلخیز گشته بود مردمی در کنار کوه‌های جنگلی در غارها می‌زیستند، این انسان غارنشین که آثارشان در تنگ پیدان در کوه‌های چهارمحال و بختیاری دیده شده است طرز بکار بردن تیرسنگی را می‌دانستند و دارای سفالینه‌های خشن و سیاه بودند» (فرهوشی، ۱۳۶۸: ۲۱). همچنین خاستگاه تمدن

ایلام شامل خوزستان، لرستان، پشتکوه و کوه‌های بختیاری است (مشکور، ۱۳۶۶: ۲۱۰) سرزمین چهارمحال و بختیاری بخصوص لار، میزدج و گندمان از نقاط آباد و مسکون ایران بوده است (آهنجیده، ۱۳۷۸: ۳۰۳).

در پی تحقیقات و کاوش‌های باستانشناسی اخیری که در استان چهارمحال و بختیاری صورت گرفته، قدیمی‌ترین استقرار یکجانشینی بشر در منطقه گندمان یکی از محال این استان کشف گردیده است (مبینی، ۱۳۸۹، ۵). کاوش‌های صورت گرفته در دشت شهرکرد و اشیاء مکشوفه در «گورکای تپه» و ظروف و خمره‌های اکتشافی مشخص گردیده است که در این ظروف در هزاره پنجم پیش از میلاد سرکه و شراب می‌ساختند و این امر بیانگر تاکستان‌های فراوان در دشت شهرکرد در آن عصر بوده است (مبینی، ۱۳۸۹: ۹).

بختیاری‌ها به‌عنوان شاخه‌هایی از قوم لر در استان‌های چهارمحال و بختیاری، اصفهان، خوزستان و لرستان زندگی می‌کنند و در پناه سرزمین کوهستانی خود، در قیاس با مناطق همجوار، میراث باستانی ایرانیان را به میزان بی‌شتری حفظ کرده‌اند و علاوه بر زبان این قوم که مملو از لغات اوستایی و پهلوی است، بسیاری از آداب و رسوم و باورهای دینی باستانی خود را نیز محفوظ داشته‌اند. یکی از این باورهای کهن، اعتقاد به الهه آناهیتا است و هرچند با گذر زمان، آناهیتای بختیاری‌ها تغییر ماهیت داده است و با چنین نامی در میان بختیاری‌ها شناخته نیست؛ با نام کنونی آن، یعنی «دالو»، همان کارکرد و نقش آناهیتای باستانی را ایفاء می‌کند و در قالب قصه و داستان به حیات خود ادامه می‌دهد (طهماسبی، ۱۳۹۸: ۱۷-۳۵). از آنجا که آناهیتا با آب ارتباط مستقیم دارد همچنین بزرگترین وجه اشتراک میان نظرگاه مادر و دختر و امامزاده‌های مذکور، وجود چشمه آب است. به جنبه‌های تقدس و اساطیری این عنصر در فرهنگ کشور همچنین استان چهارمحال و بختیاری، پرداخته می‌شود.

### ۳- جایگاه آب در فرهنگ ایران باستان

ایرانیان باستان، عناصر مفید و سودمند را که به نحوی در زندگی مؤثر بوده، مقدس داشته و ایزدی را نگاهبان آن می‌دانستند. آب یکی از عناصر سودمندی است که بسیار مورد ستایش و نیایش قرار گرفته و در سراسر کتاب اوستا با تقدس از آن سخن رفته است. مورخین یونانی درباره احترامی که ایرانیان به آب می‌گذاشتند مطالبی نقل کرده‌اند از جمله هرودوت می‌نویسد: ایرانیان آب را گرمی می‌دارند و برای آن مانند سایر عناصر مفید، از قبیل آتش، باد و غیره فدیة و نیازی می‌آورند. ایرانیان در آب بول نمی‌کنند. در آب تف نمی‌اندازند و دست در آن نمی‌شویند و به کثافات آن را آلوده نمی‌کنند (عفی، ۱۳۷۲: ۴۰۲). ایزدان نگاهبان آب، به نام‌های آبان، اردویسور<sup>۱</sup> آب یا اردویسور آناهیتا(ناهید) آمده و لَپم‌نپات<sup>۲</sup> یا بلارز<sup>۳</sup> ایزد و یا آبان ناف که مأمور پخش آبهاست از یاران او می‌باشند. امشاسپندان خرداد، سرور آبهاست که به گفته بندش هستی، زایش و پرورش جهان مادی از آب است.

در خصوص حریم آب گفتنی است؛ هر چشمه ایزدبانویی دارد و آب مؤنث است. در تمام دهات وظیفه آب از چشمه آوردن برعهده زن‌هاست. مرد اگر به چشمه برود مثل این بوده که به زنی تجاوز کند. در واقع چشمه‌ها نماد دختر باکره هستند همانند آناهیتا که همیشه باکره است. تمام مناطقی هم که به اسم دختر است مربوط به این الهه می‌شوند<sup>۳</sup> (بهار، ۱۳۹۰: ۲۸۷).

#### ۳-۱- آناهیتا(ناهید)<sup>۴</sup>، آب-ناهید<sup>۵</sup>

پیش از ظهور زرتشت بسیاری از آیین‌های موجود برجای ماندند و برخی دیگر مانند پرستش دیوان با مخالفت زرتشت و پیروانش روبرو شد. اما خدایانی هم بودند که در آیین زرتشت نه تنها پذیرفته شدند، بلکه سرودهای ستایش‌آمیزی در متون مقدس به

<sup>۱</sup> - Aredvi Sura

<sup>۲</sup> - apam napat

<sup>۳</sup> - Borz

آنان پیشکش شد. از جمله این خدایان کهن آریایی، مهر و ناهید بودند در کنار اهورا مزدا (گویری، ۱۳۸۵: ۶۹). در میان آریاییان پیش از زرتشت، لَپم نپات که فرشته آب بوده است مورد ستایش و تقدس قرار می‌گرفت (عقیقی، ۱۳۷۴: ۴۰۳) در عیلام دو معبد متعلق به آتنا و آرتمیس وجود داشته است و در شوش ایزدبانو «نن‌هی»<sup>۱</sup> را که معادل سامی آناهیتا بود، می‌پرستیدند. از اواخر سلطنت هخامنشیان به بعد بین ایزدبانوان

آرتمیس، آناهیتا و نن‌هی التقاطی به وجود آمده بود (گویری، ۱۳۸۵: ۷۶)

در آیین زردشتی آب عنصری مقدس است و هم، نام رودی مینوی است و هم ایزدبانوی<sup>۲</sup> محافظ آبها بنابراین در اوستا مورد ستایش قرار می‌گیرد. واژه «اردویسور» صفت و به معنی توانا، فزاینده و آناهیتا به معنی بی‌عیب و پاک و روی هم اردویسورانهیتا به معنی آب پاک و توانای بی‌آلایش است (پورداوود، ۱۳۹۴، ۱۶۵). در یشت پنجم که تنها مأخذ از موجودیت اساطیری آناهیتا است و موضوعاتی شامل: توصیف آناهیتا؛ وصف پرستش آناهیتا از سوی اهورامزدا؛ شرح پرستش آناهیتا به وسیله زردشت؛ توصیف ستایش شاهان و نامداران از ایزدبانوی ایرانی؛ درخواست ایزدبانو از زرتشت مبنی بر چگونگی ستایش او. در این یشت آناهیتا نماد آب و به شکل رودخانه‌های عظیم ظاهر می‌شود (گویری، ۴۹) رودی به بزرگی تمام آبهای روی زمین که از فراز کوه کر، به دریای فراخکرد فرو می‌ریزد و اقیانوس را به جوش و خروش در می‌آورد و از این رود هزار رود و دریای دیگر منشعب می‌شود و یکی از این رودها یا دریاها قصری هزار ستون با هزار دریچه درخشان برای ایزدآناهیتا برپاست (عقیقی، ۱۳۷۴: ۴۳۰) او از فراز آسمان باران و تگرگ و برف فرومی‌بارد و نطفه مردان و مشیمه زنان را پاک کرده و زایش زنان را آسان می‌سازد، از پرتو او خوشی و نعمت و ثروت در کشور پدیدار است. (عقیقی، ۱۳۷۴: ۶۶) در داتستان دینیک آمده: آبی که از

<sup>۱</sup> -Nan he

اردویسور آناهیتا می‌ریزد به اندازه تمامی آبهایی است که در جهان جاری است...محل اردیسور سپهر است (هیلنز، ۱۳۷۷: ۵۴)

در دوران هخامنشیان نخستین بار نام خدایان دیگر، یعنی مهر و ناهید در کتیبه‌های اردشیر دوم می‌آید و نام ناهید بلافاصله پس از اهورامزدا و پیش از مهر ذکر می‌شود و این نشانگر پایگاه ارجمند این بانوست (گویری، ۱۳۸۵: ۷۰)، غیر از کتیبه‌ها، از معابد آناهیتا نیز در نوشته‌ها مورخین یونانی و ایرانی در ایران باستان سخن رفته است. به طوری که می‌نویسند: معابد آناهیتا در ایران برای زنان پرهیزگار بوده و بیشتر این معابد از جمله معبد آناهیتا در همدان و شوش و کنگاور از جلال و شکوه خاصی برخوردار بوده‌اند (عقیقی، ۱۳۷۲: ۴۳۱).

به نظر می‌رسد که از میان سه خدای مذکور در دوره پارتیان، ناهید اهمیت بیشتری داشته است. گریشمن معتقد است که همه معابد ایرانی در این دوران به رب‌النوع ناهید تعلق داشته‌اند (گویری، ۱۳۸۵: ۷۷) در این زمان به الهه ناهید سوگند می‌خورده‌اند و در تثلیث ایزدان آناهیتا قبل از اهورامزدا جای داشته است. متون پراکنده اوستای عهد اشکانی، در دوره ساسانیان جمع و تألیف شد تا آن را کتاب رسمی و قانونی قرار دهند. آبانیش در ستایش ایزدبانوی آبها اردویسور آناهیتا سروده شد و مانند میترا به حریم یاوران اهورامزدا راه می‌یابد (گویری، ۱۳۸۵: ۸۷) اهمیت این الهه از آنجایی است که در بیشتر نقش برجسته‌های باقی مانده از این دوره حضور وی در مراسم مذهبی و سیاسی محسوس است، از جمله در نقش تاجگذاری نرسی در نقش رستم و در طاق بستان بزرگ واقع در طبقه فوقانی برفراز سوار سنگین اسلحه و زره پوشیده، نموده شده که سویی را به نشانه آب در دست دارد. آناهیتا علاوه بر آب با آتش در رابطه بوده است زیرا به قول «س.ویکاندر» دانشمند ایرانشناس سوئدی پرستش آناهیتا رابطه ناگسستگی با آتش داشته است. سابقه این پیوستگی یعنی تقدس و پرستش آب و آتش ابتدا زمان پارتیان در شیز آغاز شد و از آنجا به سایر نقاط گسترش یافت به ترتیبی که پرستش مظاهر این دو عنصر زندگی در همه استان‌های ایران متداول شد. این معابد در زمان‌های

کهن از غنی‌ترین و پرکالاترین معابد بوده‌اند.<sup>۷</sup> همچنین این معابد بر بلندی‌ها و در نقاط صعب‌العبور قرار دارند و دلیل آن جلوگیری از دستیازی دشمنان بوده است (کامبخش - فرد، ۱۳۷۴: ۲۵).

می‌توان گفت چنین نظام جهان‌بینی و دیدگاه به آناهیتا در پرتو نظام مادرسالاری که تا نیمه دوم هزاره دوم قبل از میلاد رایج بوده به وجود آمده است. زندگی گله‌داری متمایل به کشاورزی شد و مردان برای شکار به طبیعت می‌رفتند و زنان سایر امور را برعهده داشتند. آنها به کمک چوبدستی و ابزار ساده گودال‌هایی جهت ذخیره آب باران پدید می‌آوردند. وظیفه کشت و زرع همچنین یافتن میوه‌های وحشی و ریشه نباتات را برعهده داشتند. آنها کارهای قبیله را اداره می‌کردند و حتی به مقام روحانیت نیز می‌رسیدند. بنابراین زنان را مطهر نعمت و فراوانی می‌خواندند و قوام و دوام اجتماع را موقوف به وجود آنان می‌دانستند (کاظم‌زاده، ۱۳۹۲: ۷۳-۴۹). در کتاب «سرزمین جاوید جلد اول» نیز دوران فرمانروایی زنان قبل از تاریخ به تصویر کشیده شده است به نحوی که قدرت و ارزش زن به خاطر بخشیدن زندگی و استمرار نسل به مراتب از مرد بیشتر معرفی شده است. این ویژگی‌ها وجه اشتراک زن با آناهیتا محسوب می‌شود و از آنجاکه زندگی در فلات ایران وابسته به آب بود، محافظت و پاسداری همه جانبه از سرچشمه‌ها جزء وظایف هر حکمران تا شهروندان محسوب می‌شد (موله، گیریشمن و هرتسفلد، ۱۳۹۹: ۳۹ و ۵۴). در این راستا بهترین نوع حفاظت از انواع آلودگی، ساخت بنایی بالای سر چشمه و قرار دادن فردی به‌عنوان نگهبان در آنجا می‌باشد. این اماکن که تقدس خود را از بخشیدن زندگی به انسان دریافت کرده بود به‌عنوان معبد مورد زیارت و اکرام قرار می‌گرفت. دورانی از تاریخ ایران که مردسالاری قدرت گرفت نقش معابد آب همچنان حفظ شد تا اینکه با ورود دین اسلام نوع اکرام این معابد به امامزادگان زن منتقل شد.

از آنجا که این پژوهش از طریق ریشه‌یابی آداب زیارت امامزادگان زن به عنصر آب و اسطوره آناهیتا می‌رسد بنابراین بیان نگرش و دیدگاه مردمان منطقه چهارمحال و بختیاری در خصوص آب الزامی می‌باشد.

## ۲-۳- آب در فرهنگ مردمان چهارمحال و بختیاری

با توجه به پیشه اصلی مردمان چهارمحال و بختیاری از دوران کهن تاکنون که دامدار هستند وجود مراتع و بیشه‌زار برای چرای دام‌ها برایشان امری حیاتی می‌باشد و از آنجا که وجود چراگاه مناسب وابسته به آب می‌باشد لذا اهمیت آب نزد آنان در حد ورای طبیعت بوده است. این موضوع از آنجا نمایان است که در استان چهارمحال و بختیاری معابد و اراضی مربوط به آناهیتا به وفور دیده می‌شود که گاهی برخی از آنها کارایی و بار معنوی باستانی خود را از دست داده‌اند. نظیر شهر «دستنا»<sup>۱</sup> که در اصل «دشتنا» یا «دشت آناهیتا» بوده و در گویش محلی «دستنا» گفته می‌شود.

در بختیاری، آب همچون مظاهر طبیعت از بسیاری از اعتقادهای آیینی قداست برخوردار است و بار سنتی را بر دوش دارد. آب، نماد روشنایی و باروری است. بسیاری پیوندهای آیینی بختیاری آمیخته با آب است. پشت سر مسافر آب می‌ریزند؛ با نگاه کردن به آب نیاز و آرزو می‌کنند، برای برآوردن حاجت از آب کمک می‌گیرند. در فرهنگ‌های قومی آب جان دارد و آدمی سرشته از آب و گل است. بختیاری، آب بر آتش نمی‌ریزد، آب و آتش مقدس‌اند و حرمت دارند. خاموش کردن آتش با آب، نحس و نامبارک و سنت‌شکنی است، اگر آب در اجاق بریزند بزرگی از خانواده خواهد مرد» (داودی حموله، ۷۶۳: ۱۳۹۳).

نشانه‌های پرستش آناهیتا توسط بختیاری‌ها در منطقه بختیاری همانند دیگر نقاط فلات ایران، از زمان شکل‌گیری نخستین اجتماعات بشری، پرستش الهه آب و باروری رواج داشت و تعدادی از مجسمه‌های این الهه در مناطق مختلف بختیاری کشف شده است.

<sup>۱</sup> - Dastena

از جمله، در معبد بزرگ مسجد سلیمان، مجسمه‌های زیادی از این الهه در اشکال مختلف به دست آمده است و به خوبی نشان می‌دهد پرستش آن‌ها در مناطق بختیاری، به طور گسترده رواج داشت. اسامی پاره‌ای از مکان‌ها نیز یادآور اعتقاد به آن‌هاست، از جمله تمام مکان‌هایی که به نام مادر و دختر نامیده می‌شوند. مکان‌هایی؛ مانند قلعه دختر، برج دختر، پل دختر، کوه دختر و ... با آن‌ها ارتباط دارند. کوهی به نام «مادر دختر» در جنوب شرقی گندمان از توابع شهرستان بروجن وجود دارد و چشمه‌های پرآبی در آن کوه جاری است و بی‌شک روزگاری در کنار این چشمه‌ها، معبد آن‌هاست وجود داشت، زیرا مرسوم بود که آن‌ها را در کنار آب پرستش کنند. لازم به ذکر است که در کنار همین کوه، امامزاده‌های به نام «مادر و دختر» وجود دارد و به احتمال زیاد روزگاری معبد آن‌هاست بود. به مرور زمان در میان قوم بختیاری، آن‌ها جای خود را به «دالو» داد و دالو همه ویژگی‌های آن‌ها را یدک می‌کشد. (طهماسبی، ۱۳۹۸: ۱۷-۳۵) در حال حاضر نیز به زنان بزرگ و با تجربه اقوام دالو می‌گویند. از آنجا که در زمینه احترام و قداست آب در استان چهارمحال و بختیاری معابد آن‌هاست جای خود را به زیارتگاه، نظرگاه و امامزادگان زن داده است، لذا در ادامه پژوهش به معرفی این مناطق مقدس که همچنان آداب و رسوم مربوط به زیارت معابد آن‌هاست در آنها دیده می‌شود، پرداخته خواهد شد.

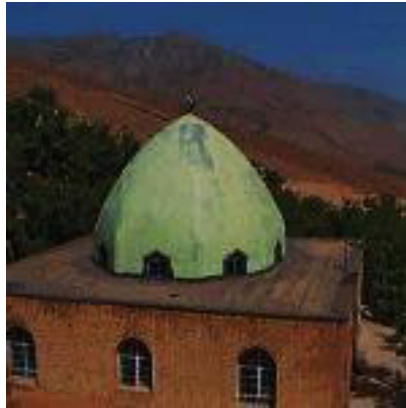
#### ۴- نظرگاه و چشمه مادر و دختر گندمان

روستای گندمان در منطقه‌ای از استان واقع شده است که با موقعیت جغرافیایی ویژه، از سویی در مسیر تردد به سایر استان‌ها و از سوی دیگر سرمنشأ چشمه‌های مهم، در طول تاریخ مورد توجه ویژه‌ای بوده است. در حوالی سال ۱۳۵۰ ه.ق، در روزگار سلجوقیان تاسیس شده و نام خود را به چمن و مرغزار زیبا، خوش آب و هوا و وسیع اطراف خویش داده، به تدریج نام بیلاق سلطنتی گندمان، مرغزار شاهی<sup>۱</sup>، چمن سلطانی، چمن گندمان، مرغزار گندمان زبانزد خاص و عام گردید (بیگی، ۱۳۸۷: ۲۷۱).

در افسانه‌های محلی مردم گندمان آمده است که یکی از هفت قصر بهرام گور (هفت گنبد) «گندکان» نام داشته که امروز «گندمان» نامیده می‌شود و بقایای کاخ بهرام گور اکنون در بافت قدیمی شهر به صورت تلی از خاک برجای مانده است. قصر بهرام گور دارای محلی به نام چهاربازار بوده که از مراکز اولیه تشکیل شهر محسوب گردیده و به نام باغ چهاربازار شهرت یافته است. این چهاربازار متصل به کاخ بوده است. همچنین معروف است بهرام گور در باتلاق یا تالاب گندمان دفن شده است<sup>۹</sup> (اسدی، ۱۳۷۵: ۲۱).

در شهر تاریخی گندمان، مقابل پارک آن زیارتگاهی وجود دارد که به نظرگاه مادر و دختر شهرت یافته و در کنار چشمه‌های به همین نام - که ظاهراً به دلیل بی‌توجهی به آن و مسدود شدن راه‌های ورودی، آب آن بسیار کم شده - مورد احترام خاص زنان و دختران منطقه است.

در گذشته دژی به نام قلعه مادر و دختر در این مکان وجود داشته که امروز نشانی از آن به چشم نمی‌خورد. نخستین بار محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در سال ۱۲۹۷ ه.ق از آن یاد می‌کند: «در قریه گندمان، ۱۰۰ خانوار جمعیت دارد ... آب چشمه در دامنه کوه به قدر دو سنگ، امامزاده‌های دارد معروف به مادر و دختر ...» (صنیع‌الدوله، ۱۳۶۸: ۱۹۴۹) اسکندر خان عکاشه (ضیغم‌الدوله)، بیست سال بعد (۱۳۱۷ ه.ق) به اختصار از آن سخن گفته و می‌نویسد: «با انگشت اشاره کرد به جانب کوه پشت گندمان که مدفن یکی از امامزاده‌ها است و این مقبره را مادر و دختری نامند» (عکاشه، ۱۳۶۵: ۱۰۴). چون این مقبره در دامنه کوه جنوب شرقی گندمان واقع است، مشهور است به کوه مادر و دختر، اسم همان امامزاده است. چشمه‌های که به قدر دو سنگ آب دارد، از دامنه کوه جنب مقبره جاری است و اغلب املاک گندمان از این چشمه جاری مشروب می‌شود. عده‌ای بر این اعتقادند که این اثر تاریخی، آرامگاه دو زن است و برخی نیز مدعی هستند تنها یک نظرگاه است و کسی در این محل دفن نشده است (تصویر ۱)



تصویر ۱: نظرگاه مادر و دختر گندمان (نگارنده، ۱۳۹۰)

هر چند در باب این مکان تاریخی هیچ سند و مدرک و یا سنگ نوشته‌ای وجود ندارد اما عوام بر این باورند که مادر و دختری از خاندان امام در روزگار عباسیان به این منطقه آمده و بر اثر سرمازدگی از دنیا رفته و در این محل دفن شده‌اند و با احداث حرم و رواق و گنبد بسیار کوچک به زیارتگاهی تقریباً زنانه مبدل گشته است. در مدخل ورودی بقعه معروف به گذرگاه امامان، سنگی سیاه که جای پای انسانی بر آن حک شده وجود داشته که ظاهراً عقیده گندمانی‌ها بر این استوار است که متعلق به امام هشتم شیعیان (ع) بوده و هر کس به آن توهین کند، دچار عذاب الهی شده و مادر و دختر او را سنگ می‌کنند.

«ایزابلا بیشاب» که در ماه ژوئن ۱۸۹۰ م به گندمان سفر کرده، اشاره‌های کوتاه به این اثر تاریخی داشته و می‌گوید: «در این روستا هشت چشمه آب نزدیک به هم از زمین می‌جوشد که یک نهر بزرگی را تشکیل می‌دهند. در کنار دهکده امامزاده وجود دارد» (بیگی، ۱۳۶۸: ۷۲۲). به دلیل دارا بودن مناظر زیبا و آب و هوایی خوش مردمان منطقه به این قسمت سفر کرده و ساعت‌ها در میان چمنزار آن اقامت می‌کنند. بنای زیارتگاه یک چهار طاقی ساده با یک گنبد بدون تزئینات بوده است که متأسفانه اکنون با بی‌توجهی مسئولین اثری از آن نیست، چنانکه اخیراً با درآوردن دفینه‌های عظیم از زیر

بنا، این ساختمان به طور کامل تخریب شده است. لکن این موضوع دلیلی برای فراموشی مردمان منطقه از نقش این نظرگاه در برآورده شدن حوائج آنان نشده است و کماکان برای گره‌گشایی از مشکلات خود به این نقطه پناه می‌آورند (تصویر ۲)



تصویر ۲: تصویری از تخریب بنای نظرگاه مادر و دختر (نگارنده، ۱۳۹۸)

#### ۵- امامزاده حلیمه و حکیمه خاتون شهرکرد<sup>۱۰</sup>

یکی از ابنیه قدیمی و مذهبی این شهر امامزاده حلیمه و حکیمه خاتون است هرچند از بنیان اولیه این امامزاده تاریخ و سندی در دست نیست ولی از مندرجات کتب و تواریخ، آثار قبور و ساختمان‌های اطراف احتمال قطعی می‌رود که این امامزاده قبل از دوره اتابکان لرستان بوده و آنان در عمران آن همت گماشته‌اند. بعدها در دوران کشمکش‌های سلاطین و یاغیان خرابی‌ها به آن وارد شد تا اینکه در زمان صفویه و کریم خان زند و بالاخره قاجاریه تعمیر شده است و به همت بزرگان و علما و اهالی محل، و به دستور میرسید محمد امام جمعه تجدید بنا گردیده است. سردر این امامزاده روبه طرف مشرق و دارای ایوانی است که بر روی دو ستون سنگی جلوخان قرار دارد.

در ورودی امامزاده دو لنگه از چوب چنار و زنجیری بدان آویزان است که مرسوم بناهای متبرکه می‌باشد و بدان دخیل می‌بندند. اطراف این ایوان و سردر با کاشی‌های گل و بوته خشتی هفت رنگ مفروش شده بود و در بالای در، سنگ لوح‌های است که اشعاری بر روی آن نقل شده که عیناً بر اطراف ستون‌های سنگی تالار داخلی امامزاده نیز تکرار گردیده در طرفین در دو سکوی سنگی یکپارچه‌ای به ابعاد  $۲ * ۷۰$  متر نیز زینت بخش می‌باشد. دهلیز آن مربع شکل و روبروی در ورودی بر بدنه یکی از طاقچه‌ها لوحه سنگی است که اشعاری از میرزا یوسف ضیاء می‌باشد. (آهنجیده، ۱۳۷۸: ۱۴۴)

اردشیر آخوندی، کارشناس میراث فرهنگی اظهار داشت: با ورود دین مبین اسلام به سرزمین ایران و نفوذ و گسترش دین تشیع ورود سادات نیز به ایران افزایش یافت. استان چهارمحال و بختیاری با توجه به اینکه در یک منطقه کوهستانی واقع است مأمّن و پناهگاه امنی برای سادات و شیعیان بود که از جور و ظلم حکومت‌های وقت به ستوه آمده و در پناه حکام محلی قرار می‌گرفتند. وی افزود: این افراد مؤمن و عارف بودند و دوره حیات خود مورد احترام مردم بودند و پس از فوت نیز موقوفاتی به آنها اختصاص و بر مزار آنها بقعه می‌ساختند.

آخوندی با بیان اینکه حدود ۵۵ سال پیش گنبد پوش داخلی تخریب شده و در معرض خطر فرو رختن بوده که پوش خارجی گنبد بازسازی شده است، افزود: در سال‌های گذشته نیز با همکاری اوقاف مرمت‌هایی داخل بقعه، بر روی پشت بام و کاشی‌های سردر انجام شده است (تصویر ۳)



تصویر ۳: امامزاده حلیمه و حکیمه خاتون شهرکرد (نگارنده، ۱۳۹۷)

نکته مهم در خصوص این امامزاده، آبخیز بودن این نقطه از شهر می‌باشد. به نحوی که تا قبل از گسترش شهر حدود ۲۰-۳۰ سال پیش، این منطقه بسیار مستعد و آبرا بوده است. از طرفی مسجدی در جوار این امامزاده وجود دارد به نام مسجد اتابکان، که نوع معماری و سبک ساخت آن به شیوه ۴ طاقی بوده است که مطابق با آتشکده‌های پیش از اسلام می‌باشد. بنابراین، این قسمت «مسجد اتابکان» تا قبل از دوره اتابکان آتشکده بوده که در این دوره تغییر کاربری داده و به مسجد تبدیل شده است (تصویر ۴) این مهم با توجه به پرستش توامان آب و آتش که پیشتر اشاره شد، یکی از دلایل تطابق معبد آناهیتا با این امامزاده است. همچنین تا دوران پهلوی ورود مردان به این امامزاده ممنوع بوده و فقط زنان و دختران اجازه دخول داشتند، این امر از آنجا نمایان‌تر است که هر دو کوبه در ورودی امامزاده از نوع نلکه (به معنی حلقه) که مخصوص زنان است، می‌باشد.<sup>۱۱</sup> بنا به گفته ساکنین این شهر، این دو خاتون در حال فرار از دست ظالمین و بدخواهان جان سپردند.



تصویر ۴: مسجد اتابکان شهرکرد، روبروی امامزاده (نگارنده، ۱۳۹۷)

## ۶- امامزاده حلیمه خاتون سرپیر (خاتون حلب)<sup>۱۲</sup>

یکی از روستاهایی که دارای تمدنی کهن و آثار باستانی ارزشمند در نقاط مختلفش است، روستای «سرپیر» از توابع شهرستان اردل و در فاصله ۸۵ کیلومتری شهرستان

شهرکرد می‌باشد. در پس هرکدام از آثار تاریخی این روستا، افسانه‌های محلی که درونشان رازها و نمادهای باستانی قرار دارند، نهفته است.

زیارتگاه امامزاده حلیمه خاتون، معروف به خاتون حلب از نوادگان حضرت امام موسی کاظم (ع) است و به دختر برگ (باکره) معروف است. به همین دلیل از قدیم اعتقاد براین بوده است که مردان نباید وارد زیرزمین امامزاده شوند و اگر مردی وارد آن شد دچار عواقب بدی می‌شود. زیرزمین امامزاده یک سرداب است که مقادیر چشمگیر خاکستر از آن جمع شده است. (تصویر ۵) در این بخش از زیرزمین سوراخی وجود دارد به عمق یک متر، که به «ناف» معروف است. زائرین به وسیله یک ملاقه بلند از آن خاک برمی‌دارند و برای رسیدن به حاجات خود در منازل نگه می‌دارند. رطوبت موجود در این خاک خبر از وجود آب در این نقطه می‌دهد.



تصویر ۵: امامزاده حلیمه خاتون (سریپر، ۱۳۹۷)

جای جای خاک سریپر دارای اماکن متبرک و اسامی با مسمی، نظرگاه‌ها، قدمگاه‌ها و جاهایی که به زمان قبل از اسلام و حتی به زمان میتراییسم می‌توان نسبت داد، از جمله «بردسیلا»، «درختان کهنسال» که به آنها دخیل می‌بندند، چشمه‌های معروفی نظیر «

شعفدی<sup>۱</sup> (شفادهنده) چشمه «حاجت» و «کلفت<sup>۲</sup>» و چشمه «گله<sup>۳</sup>») بردسیلا هم در همان گفت گله که به وضوح قلعه هست، قرار دارد و «تپه دُگَلار<sup>۳</sup>» پرستش‌گاه دختر (که مرتبط با آناهیتا و ناهید است)، می‌باشند. گفته شده در این پرستش‌گاه بز کوهی خودش می‌آمد تا امامزاده آن را بدو شد و با گرده نانی که هر کس می‌آمد از آنها بخورد، باز هم برای دیگران باقی می‌ماند. در نزدیکی این پرستش‌گاه چشمه‌های به نام چشمه گاو وجود دارد، که باید هر سال یک گاو قربانی کنند تا آب آن خشک نشود. از گناهان بزرگ در این روستا آلوده کردن آب چشمه‌ها می‌باشد. با ریختن عرق امامزاده برای سایه گستردن بر آن دختر معصوم که از ترس دشمنان فرار کرده بود رویده‌اند.

سوراخ «شمشیربر<sup>۴</sup>» بر صخره‌هایی نزدیکی امامزاده حلیمه خاتون قرار دارد که گفته شده بر شمشیر آن حضرت که سعی داشته خود را از چنگ دشمنان برهاند، بریده شده و به داخل آن پناه برد (تصویر ۷) امامزاده بعد از اینکه به این منطقه فرار کرد در آن محل - که مورد احترام مردم است - رفت تا از گزند دشمنان مصون باشد. حتی مردم عقیده دارند بین بردسیلا (تصویر ۷) و شمشیربر تونلی وجود داشت که امامزاده از آن رفت و آمد می‌کرد. مخصوصاً محلی نزدیک بردسیلا درست قسمت گردنه روبه سرپیر، پایین دست راه یک قسمت گود بود که چند درخت در آن رویده بود که خیلی متبرک بودند و خاک آنرا بر می‌داشتند و در محلی زیر ضریح امامزاده معروف به «ناف» می‌ریختند و فقط زنها حق داشتند به آنجا بروند و خاک آن شفادهنده بود و اگر مردی آنجا می‌رفت کور می‌شد. حتی زنان حامله بچه در شکمشان پسر بود آسیب می‌دید (آهنجیده، ۱۳۷۸، ۳۸۵).

<sup>1</sup> - Shafadi

<sup>2</sup> - Keft

<sup>3</sup> - Gala

<sup>4</sup> - Shamshirbor



تصویر ۶: راست، برد سیلا دشتک-سرپیر (نگارنده، ۱۳۹۷)، تصویر ۷: چپ، شمشیربلار سرپیر (نگارنده، ۱۳۹۷)

شمشیربُر که در واقع جز گوردخمه‌های پیش از اسلام محسوب می‌شود و محلی برای دفن مردگان بوده طی گذر زمان به جوی آب سنگی تبدیل شده که توسط مردمان منطقه در قدیم، احداث شده است و در میان صخره‌های بلند و پرتگاه خطرناک، به صورت گذرگاه باریک ایجاد شده است. در واقع نقاط مربوط به آب منبع داستان‌ها و افسانه‌های فوق شده است.

در این بخش از تحقیق علاوه بر آب، به عناصری چون درختان کهنسال مقدس و همچنین حیواناتی نظیر بز کوهی و نان بر می‌خوریم که همگی نماد برکت، باروری و آناهیتا هستند.

#### ۷- آداب زیارت امامزادگان

در این بخش از پژوهش نگارنده بصورت مصاحبه از پیرزنان مطلع مکان‌های مذکور سوالاتی در این خصوص پرسیده که جواب آنها بصورت یک گزارش به اختصار آورده می‌شود. زنان و دخترانی که قصد زیارت از این اماکن مقدس را دارند با وضو وارد می‌شوند و قبل از ورود اقدام به در زدن می‌نمایند و چند ثانیه بعد آستانه در اذن دخول را می‌خوانند سپس دور ضریح چرخیده آنرا بوسیده و زیارت کرده اگر حوائجی دارند پارچه دخیل به ضریح بسته و پارچه یا تسبیحی که قبلا به ضریح توسط شخص دیگر

بسته شده بود را باز کرده و به عنوان گرو با خود نگه می‌دارند تا هنگامی که خود حاجت گیرد و برای پخت کاجی و ادای نذر مجدداً به امامزاده رجوع نماید. نحوه پخت کاجی در این مکان‌ها نیز آداب و نام خاصی دارد. به نام‌های کاجی «هفت دختر» (هفت دختر باکره و پاکدامن که هنگام فرار از دست متجاوزان غیب می‌شوند) و کاجی «بی‌بی حور» و «بی‌بی نور» (بانوهای پاکدامن که در روزگاران قدیم حین فرار از دست دشمنان می‌میرند) است و نباید چشم مردی به این کاجی بیفتند و یا از آن بخورد<sup>۱۴</sup> و فقط زنان و دختران از آن میل می‌کنند. همچنین مراحل طبخ باید دور از نور خورشید و آسمان صورت پذیرد. کاجی هفت دختر معمولاً جهت گشایش بخت دختران و بی‌بی حور جهت بارداری و بی‌بی نور جهت شفای بیمار پخته می‌شود. برای پخت کاجی هفت دختر عقیده بر این است که اگر آرد آن از هفت خانواده که دختر مجرد دارند گرفته شود حوائج به صورت قطعی برآورده خواهد شد.

از دیگر رسوم رایج در این سه مکان، بردن چراغ و روشنایی از امامزاده که توسط خدام آن به نیابت امامزادگان روشن می‌شود به منازل در هنگام سال تحویل می‌باشد و تا هنگام خاموشی خود چراغ، به هیچ عنوان نباید توسط انسانی خاموش شود. عقیده بر این است که این امر باعث روشنایی چراغ منازل و خیر و برکت و سلامت اهالی منزل می‌شود.

بجز این سه مورد موارد دیگر از زیارتگاه‌هایی در استان چهارمحال و بختیاری وجود دارند که با وجود اینکه امامزاده نیستند لکن زنان و دختران جهت زیارت و گرفتن حوائج و ادای نذر به آن مکان‌ها مراجعه می‌نمایند. یکی از آنها «چشمه آبمرا» شهرستان «چلیچه» هست که تا چند سال پیش فقط زنان و دختران اجازه رفتن به سرچشمه داشتند. پخت کاجی با آب این چشمه صورت می‌گیرد و هنگام پخت کاجی‌های مذکور، صاحب حاجت هنگام بهم زدن کاجی با صدای بلند این ذکر را می‌گوید: «بانو و بی‌بی ما به حق صاحب این آب و پنج تن آل عبا، همه کسانی که از این نذری میل می‌کنند را حاجت‌روا گردان» همچنین رسم دیگر انداختن زیورالات و

جواهرات و یا سکه حتی ظروف آشپزخانه و یا میوه باغ درون آب چشمه بود که عقیده بر این بود که جهت مال اندوزی و برکت در زندگی و باغ این کار انجام می‌شود. یکی دیگر از اعتقادات در زمینه گرفتن حاجت آبتی زنان و دختران در آب این چشمه می‌باشد.

مورد دیگر ادامه مسیر این چشمه و حدفاصل شهرستان چلیچه و جونقان مکانی بر کوهی مخصوص زنان وجود دارد که به «سه درختون» معروف است و عقیده بر آن است که سه خاتون باکره و پاکدامن در حال فرار از دست دشمنان به کوه پناه برده و دیگر هرگز کسی آنها را مشاهده ننموده است بعد از مدتی که دوستان در پس آنها می‌روند متوجه سبز شدن سه درخت چنار در دل کوه می‌شوند و از آن پس آنجا مبدل به زیارتگاه گشته و اکنون سایه این درختان محلی برای برگزاری سفره‌های حضرت زهرا(س) و رقیه(س) گردیده همچنین سرشاخه‌های این سه درخت پارچه نخ طناب و تسبیح جهت حاجت روا شدن بسته شده است. همچنین نکته مهم دیگر در مورد همه امامزادگان زن و زیارتگاه‌های ذکر شده، برپایی نماز باران در صحن آنها از کارهای مهم و گیرا تلقی می‌شود که در سال‌های گذشته زنان می‌خواندند لکن سال‌های اخیر مردان نیز در این فریضه شریک هستند.

نکات مشترکی در مورد بررسی مشاهده می‌شود که نشان‌دهنده آن است که اولین عنصر مشترک همه موارد مذکور آب می‌باشد. وجود خاتون‌هایی پاکدامن و باکره که در حال تعقیب و گریز از دست دشمنان یا جان دادند و یا غیب شدند نیز از دیگر وجوه اشتراکات آنها می‌باشد این ماجرا سمبل پاکی، معصومیت و مظلومیت آنها است و می‌دانیم موارد مذکور از خصائص بارز شخصیت آنها می‌باشد. که ذات آن بالفعل پاک و آری از گناه می‌باشد. اهمیت این موضوع از آنجا نمایان می‌شود که حتی پخت نذری در این مکان‌ها، که کاچی با نام‌های هفت دختر و بی‌بی حور و بی‌بی نور است دقیقا با چنین داستان‌هایی همراه هستند. اگر بخواهیم این مهم را از دیدگاه امروزی در نظر بگیریم به این نتیجه می‌رسیم که آلوده نمودن آب و یا کفران این نعمت حیاتی

گاهی هم ردیف تجاوز به حریم یک انسان پاک دارد و فردی که مرتکب آن شود لایق اشد مجازات است.

اگر بخواهیم به علل ماندگاری چنین داستان‌هایی طی تاریخ تا عصر حاضر بپردازیم، می‌توان گفت ساکنین فلات ایران از دیرباز که دلهره از دست دادن چشمه یا آب شیرین را داشته و دارند قطعاً به آب نگاهی متفاوت نسبت به سرزمین‌های پرآب دارند. از طرفی پیشه باستانی دامداری که در میان مردمان این سرزمین متداول بوده و اکنون نیز بصورت فراوان در محدوده کوه‌های زاگرس و بلاخص چهارمحال و بختیاری (در میان عشایر و طایفه گله‌دار شهرکرد)، متداول است، از طریق چراگاه‌ها، رابطه تنگاتنگی با آب دارد. رسم باستانی بردن گله به چرا و رفتن به شکار برعهده مرد و سروسامان دادن زندگی و کشت و زرع برعهده زن است. این عامل سبب می‌گردد که کماکان زنان در امور خانواده دخل و تصرف داشته باشند و بصورت کامل در جریان وقایع روزمره (آنچه که مردان ممکن است بعلت مشغله دامداری از آن بی‌خبر باشند) قرار گیرند و تصمیمات را به تنهایی اتخاذ کنند و به همین منوال محوریت زن در خانواده‌ها حفظ می‌گردد و در پی آن اکرام و رسوم احترام به زن در فرهنگ قومی بختیاری به صورت محسوس‌تر حفظ می‌گردد.

آنچه تاکنون توضیح داده شد در جدول ذیل بصورت اختصار ذکر شده است.

جدول ۱) تطابق عقاید مربوط به آناهیتا با امامزادگان شهرکرد و سرپیر و نظرگاه مادر و

دختر(نگارنده)

مکان‌های مذهبی	قدیسه مربوطه	جایگاه قدیسه	ویژگی محیطی	افراد مجاز برای ورود
معبد آناهیتا	ایمنبات، آناهیتا، ناهید ، اردویسور، ننهی	بعداز اهورامزدا و قبل از میترا	وجود چشمه‌ها ورودخانه‌ها	زنان و دختران

تا پیش از دوره پهلوی فقط زنان و دختران	وجود چشمه‌های متعدد در کنار نظرگاه	امامزادگان؟	مادر و دختر تصویر ۱	نظرگاه مادر و دختر
تا پیش از دوره پهلوی فقط زنان و دختران	وجود رودی پرآب، آتشکده (مسجد اتابکان) تصویر ۴	دختران ابراهیم مجاب ، ۴ نسل بعداز امام موسی کاظم	حلیمه و حکیمه خاتون تصویر ۳	امامزادگان حلیمه و حکیمه خاتون شهرکرد
قسمت سرداب فقط زنان و دختران	وجود چشمه، بزکوهی درختان کهنسال ومعبر مقدس و برد سیلا	نوادگان امام موسی کاظم	حلیمه خاتون تصویر ۵	امامزاده حلیمه خاتون سرپیر

### ۸- نتیجه‌گیری

آنچه از این پژوهش برداشت می‌شود؛ بار معنوی موجود در «امامزادگان حلیمه و حکیمه خاتون شهرکرد»، «حلیمه خاتون سرپیر» و «نظرگاه مادر و دختر گندمان»، منحصر به عصر اسلامی و عقاید اسلامی نبوده است. چنانکه فرهنگ مربوط به پرستش آنهایتا و دوران زن‌سالاری تأثیرات عمیق و غیرقابل نفوذی را برجای نهاده که از آنها به راحتی نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. نکاتی نظیر آب، زنان معصوم و یا دختران باکره و عدم اذن دخول مردان به حریم امامزاده، همجواری با آتشکده و یا درختان کهنسال مقدس تشابهات معنا داری با معابد آنهایتا دارند. از آنجا که آب نیز در دین اسلام مقدس می‌باشد همچنین این دین مقام ویژه برای زن قائل است و نگاه ابزاری به زن نداشته، مقاومتی برای چنین دیدگاهی در میان ایرانیان نشان داده نشده است و نوعی استحاله

رخ داده که این نوع قداست ارج نهاده شد. بنابراین نقاطی که تا پیش از اسلام پاک و متبرک بودند بعد از اسلام نیز حفظ گردیدند.

از طرفی با توجه به موقعیت کوهستانی استان چهارمحال و بختیاری و مسیرهای صعب‌العبور، فرهنگ کهن مردمان این منطقه نیز از گزند بیگانه بیشتر حفظ گردیده است و این عامل سبب گشت تا رسوم عجیب و حتی مشکل (نظیر نیفتادن نگاه مرد و یا آسمان به کاچی نذری «هفت‌دختر» در زمینه ادای حاجات از این خاتون‌ها، با تحکم اجرا گردند. همچنین نوع معیشت مردمان این منطقه که گله‌دار و دامدار هستند، ایجاب می‌نماید که هموار زنان به عنوان کشاورزان ماهر و رؤسای خاندان و تنظیم کننده زندگی قرارگیرند و مقام والای باستانی خود را حفظ نمایند و این بار با نام «دالو» که همان آن‌هاست خطاب شوند. همگی موارد ذکر شده اشاره به وجود نوعی فرهنگ اصیل که می‌توان آنرا فرهنگ «قومی-آیینی» خطاب کرد، دارد. از طریق شناخت این فرهنگ می‌توان سفری به دنیای کهن داشت و لایه‌های ناشناخته فرهنگ باستانی و غنی کشور را شناسایی و احیا نمود.

### پی‌نوشت

- ۱ - نظرگاه گندمان در سال‌های اخیر به قصد تخلیه دفینه، تخریب کامل شد و حتی سرچشمه‌های این مکان باستانی از این تهاجم در امان نماند.
- ۲ - مادر قدیسان و نجاتبخش‌ها باکره‌اند. مانند زرتشت و عیسی.
- ۳ - پرستش‌گاه‌هایی که بسیاری از آنها بازمانده‌های بناهای کهن هستند و به نام‌های قلعه دختر، کَلْأتل دختر، برج دختر و پل دختر در سراسر ایران پراکنده‌اند، میتوان گفت با ناهید ارتباط دارند.
- ۴ - ناهید نام فرشته آب است که به صورت آن‌ها، با صفت اردوِیسور به معنی بالنده و قوی آمده و بسیار مورد ستایش قرار گرفته است.
- ۵ - نام زنی زردشتی است که نخستین بار در منظومه ویس و رامین آمده است. بالازاده،

- ۶- در کتاب اوستا دوشیزهای زیبا، بلندبالا، خوشاندام وصف شده است.
- ۷- پلی نیوس مورخ رومی که در سال 79 میلادی درگذشته مینویسد که در معبد ناهید شوش یک مجسمه بسیار سنگین طلایی از الهه ناهید برپا بوده که در اوقات جنگ، سردار رومی آنتوان در زمان فرهاد چهارم (37-1 میلادی) به غارت رفت (کامبخش فرد، 1374، 25)
- ۸- در زمان شاه طهماسب اول به صورت شهری کوچک و قلعه‌ای شکل بوده بیرون از قلعه مرغزار شاهی صفویان که به چمن گندمان هم شهرت یافته، وجود داشت.
- ۹- مردم گندمان اعتقاد دارند که در زیر این تپه گنج‌هایی قرار دارد که بروی آن گنج، اژدهایی غول پیکر نگهبانی می‌دهد و حتی وقتی کوزه‌ها و کاسه‌های سفالی پراز خاکستر در این شهر به دست می‌آمده، یا آنها را از بین می‌بردند و یا برای استفاده شخصی (آشامیدن، نگهداری ترشیجات، و...) به منزل می‌بردند.
- ۱۰- این اثر تاریخی در 27 بهمن 1378 با شماره ثبت 2589 بعنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسید.
- ۱۱- کوبه‌های مردانه به نام درکو شناخته می‌شدند.
- ۱۲- ساختمان این امامزاده در سال 1389 به شماره 5984 به فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.
- ۱۳- در گویش محلی بختیاری به معنای دختر.
- ۱۴- بنا به اعتقادات، اگر مردی از آن بخورد گرفتار و یا زندانی می‌شود.
- در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای اینجانب وجود نداشته است.

#### فهرست منابع و مآخذ

- آخوندی، اردشیر. (۱۳۸۵) سیمای میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری چهارمحال و بختیاری. تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی.

- آهنجیده، اسفندیار. ( ۱۳۷۸ ) چهارمحال و بختیاری و تمدن دیرینه آن. اصفهان: مشعل.
- بالازاده، کاووس. (۱۳۷۷) به یاد بهار. تهران: آگه.
- بهار، مهرداد. ( ۱۳۹۰ ) از اسطوره تا تاریخ. تهران: چشمه.
- بیگی بروجنی، شهناز. (۱۳۸۷) بروجن نامی به بلدای تاریخ. تهران: بهینه فراگیر.
- پورداوود، ابراهیم. (۱۳۹۴) یشتها. تهران: اساطیر.
- داودی حموله، سریا. (۱۳۹۳) موسیقی قوم بختیاری. تهران: افراز.
- صنیع الدوله، محمدحسن. ( ۱۳۶۸ ) مرات البلدان جلد چهارم. (ترجمه عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث). تهران: دانشگاه تهران.
- طهماسبی، ساسان. (۱۳۹۸) «بختیاری‌ها و اسطوره آنها». نشریه تاریخ اندیش. زمستان ۱۳۹۸. ص. ۱۷-۳۵. <http://noo.rs/driPZ>
- عفیفی، رحیم. (۱۳۷۲) اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی. تهران: توس.
- عکاشه، اسکندرخان. (۱۳۶۵) تاریخ ایل بختیاری، فرید مرادی. تهران: یساولی.
- فرهوشی، بهرام. (۱۳۶۸) ایران‌نوچ. تهران: دانشگاه تهران.
- کامبخش‌فرد، سیف‌الله. (۱۳۷۴) معبد آناهیتا کنگاور. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- کرزن، جرج‌ن. (۱۳۶۲) ایران و قضیه ایران، جلد اول (ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی). تهران: نشر علمی فرهنگی.
- گویری، سوزان. ( ۱۳۸۵ ) آناهیتا در اسطوره‌های ایرانی. تهران: ققنوس.
- مشکور، جواد. (۱۳۶۶) ایران در عهد باستان. تهران: اشراقی.
- موله، ماریژان. گیریشمن، رومن. هرتسفلد، ارنست. (۱۳۹۹) سرزمین جاوید جلد اول. (ترجمه ذبیح‌الله منصوری). تهران: تاو.
- هیلنز، جان. ( ۱۳۷۷ ). اساطیر ایران. (ترجمه ژاله آموزگار)، تهران: چشمه.
- سایت خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، کد خبر ۳۶۴۶۷۶۳، تاریخ انتشار ۷/۴/۱۳۹۶. ساعت ۱۴: ۰۷.

- کاظم‌زاده، پروین (۱۳۹۲). «تحلیلی بر دلایل شکل‌گیری اعتقاد به ایزدبانوان در ایران باستان». پژوهش‌های ادیانی. سال اول. شماره ۲. ص ۴۹-۷۳.